



استفاده از مردم به عنوان پوشش سیاسی

سیدابراهیم رئیسی، رئیس جمهوری در مراسم تجدید میثاق هیئت دولت با آلمان‌های امام خمینی، گفت: «میراث امام حیات دارد و روز به روز جلوه آن در دنیا بیشتر می‌شود بنابراین امام زنده است چون انقلاب اسلامی و میراث امام و آموخته‌های امام زنده است. امام آموخت که باید اخلاص داشت، امام آموخت که باید برای خدا حرکت کرد. این فرزندی که امروز در جای جای ایران اسلامی و منطقه این آموخته را به جان و دل خریده‌اند و اینگونه حرکت می‌کنند، خودشان می‌گویند از امام آموخته‌ایم. حیات امام(ره) و حیات جلوه‌های اخلاقی، اعتقادات و باورها و آموخته‌های جهادی و انقلاب امام مردم‌داری و توجه به مردم و جمهوریت است. میزان رای ملت است نه مانند سیاسیون که کلامشان با مردم آغاز می‌شود و به مردم هم ختم می‌شود اما نام بردن از مردم صرفاً یک پوشش سیاسی برای اهداف سیاسی است. امام خداپاور و مردم‌باور بود. در آستانه انتخابات هستیم انتخابات یکی از جلوه‌های میزان رای ملت است که امام به ما آموخت و پایه آن را امام در این کشور بنا نهاد و توجه به جمهوریت و نگاه مردم و رای مردم بسیار مهم است. این حیات میراث گرانتقد امام است.» وی با اشاره به اینکه توجه به محرومان و مظلومان، توجه به فقرا و مستضعفان، آموخته‌های امام(ره) است، تصریح کرد: «این دنگاهی که برخی‌ها به زبان و برخی‌ها به قلم جاری می‌کنند که آیا پیشرفت کشور با تاکید بر مبانی منافات دارد؟ برخی به زبان جاری می‌کنند که توسعه در گرو این است که این مسائل را کنار بگذاریم اما امام به ما آموختند که هم می‌توان به مبانی معتقد بود و هم کشور را پیشرفته‌تر و در جایگاه توسعه‌یافتگی قرار داد. رهبری که امروز سکاندار این حرکت عظیم هستند همواره تاکید دارند که کشور باید پیشرفته‌تر شود. جلوه‌هایی از پیشرفت را در جای جای کشور می‌بینیم. جوانان کارهای بزرگی انجام داده‌اند، جوانان هر جا که با خداپاوری، خودپاوری و مردم‌پاوری وارد شدند چه در دفاع مقدس و چه در علم و فناوری و چه در عرصه‌های اقتصادی و اجتماعی جلوه‌های باشکوهی را خلق کردند. سخنانی که رهبری در چند سخنرانی اخیرشان بر آن تاکید داشتند توجه به مردم، توان مردم، حضور مردم و دستان توانای مردم بود و این برای ما درس است و این هم همان راهی است که امام دنبال می‌کردند. به ما آموختند باید در سیاست و اقتصاد مردم را به حساب آورد و هر جا که حضور مردم بوده گره‌ها باز شده است.»



یار اسلام و مردم باشیم

غلامحسین محسنی‌اژه‌ای، رئیس قوه قضائیه در مراسم تجدید میثاق قوه قضائیه با آلمان‌های امام خمینی گفت: «خداوند به ما توفیق دهد برای اسلام و مردم یار باشیم نه یار؛ و آنگونه نباشد که مردم به خاطر اعمال و منش و روش ما، به اسلام و نظام بدین بشوند.» وی با تبیین و تشریح شرایطی که در آن امام عظیم‌الشان، نهضت را آغاز فرمودند، گفت: «امام بزرگوار ما در شرایطی نهضت را آغاز کردند که رژیم ستمشاهی در مقابل بیگانگان نوکری می‌کرد و در برابر مردم خودمان سرکش بود و آن‌ها را تحقیر می‌کرد و منافع و مصالح ملی را در نظر نمی‌گرفت؛ در چنین شرایطی امام با ایمان و انکال به خدا و اعتماد به مردم، نهضت را آغاز کردند.» محسنی‌اژه‌ای با بیان اینکه یکی از اهداف بزرگ امام راحل، تحقق عدالت در همه شئون و ساحت‌ها بود، تصریح کرد: «از همین رو ما در قوه قضائیه برای تحقق عدالت اعم از عدالت فردی و عدالت در حکمرانی و عدالت در سایر شئون، مسئولیت‌سنگین و خطیری داریم. امروز در راستای احیا و ارتقای حقوق عامه، استیفای حقوق آحاد مردم، دفاع از مظلومین، تقویت فضائل و مبارزه با تمامی مظاهر فساد، وظیفه سنگین و خطیری داریم. اگر بخواهیم به صورت کامل و جامع به مسئولیت‌ها و وظایف خود عمل کنیم و عدالت گستر باشیم، باید از خود شروع کنیم و عدالت برای ما به ملکه تبدیل شود و به فکر جاه و دنیا نباشیم و به مردم خوشبین باشیم و به آن‌ها تخاصم نوزیم و مردم را یاری کنیم و در برابر متعديان به بیت‌المال و جان و مال و نوامیس مردم، قاطعانه برخورد کنیم.»

تاریخ انقلاب

بسیاری از حرف‌های او در ذهنم زنده است و بارها در زندگی و تجربه اجتماعی و در مناسبات سیاسی به یاد او بوده‌ام.» آشنایی با سیدکمال الدین نوربخش باعث می‌شود ابراهیم یزدی در سال‌های دبیرستان یا تشویق او وارد «انجمن اسلامی جوانان امیرکبیر» شود؛ انجمنی که در سال ۱۳۲۲ پایه تشکیل «نهضت خدایپرستان سوسیالیست» را بنا می‌نهد و در سال ۱۳۲۵، ابراهیم یزدی از طریق برادر بزرگترش وارد این نهضت شده و پس از آن هسته مرکزی دانش‌آموزی نهضت را تشکیل می‌دهند. حضور در جلسه‌های نهضت، تاثیر مهمی روی ابراهیم یزدی می‌گذارد؛ به گونه‌ای که خودش می‌گوید: «عضویت و فعالیت در نهضت خدایپرستان سوسیالیست تاثیر بسیار عمیقی در ذهن و دیدگاه‌های سیاسی من برجای گذاشت. در واقع بعد از تربیت خانوادگی... و تجربیات بسیار باارزش عینی و واقعی از زندگی و جامعه، حضور و فعالیت در نهضت خدایپرستان سوسیالیست اثرات درازمدت خود را در شکل‌گیری روحیه و گرایش‌های سیاسی و اجتماعی من بر جای گذاشته است.»

دانشگاه و آغاز راه سیاسی

هر چند پدرش در سال‌های دبیرستان مخالف ادامه تحصیل ابراهیم بوده، اما او بر درس خواندن یافشاری می‌کند و در نتیجه سال ۱۳۲۸ وارد دانشگاه در رشته داروسازی شده و در همان سال‌ها فعالیت صنفی در دانشگاه را آغاز می‌کند و نماینده همکلاسی‌هایش در سازمان دانشجویان دانشگاه تهران می‌شود (در این سازمان با سرور طلیعه، آشنا شده و یکسال پس از کودتای ۲۸ مرداد، با او ازدواج می‌کند). همچنین از سال اول دانشگاه، عضو شوراهای مرکزی و هیئت اجرایی انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تهران می‌شود. یکی دیگر از نکته‌های مهم سال‌های دانشجویی او، حضور در جلسات قرآن آیت‌الله محمود طالقانی در مسجد هدایت بوده است.

در همان اولین سال حضور در دانشگاه، زمان برگزاری انتخابات مجلس شانزدهم از راه می‌رسد و نهضت خدایپرستان سوسیالیست تصمیم به حمایت از کاندیداتوری «سیدمهدی رضوی قمی» می‌گیرد و به دنبال همین موضوع، در گردهای داخلی‌شان ابراهیم یزدی بعضاً نطق‌های سیاسی را بیان می‌کند. نکته مهم درباره نهضت خدایپرستان سوسیالیست به نوع فعالیت‌شان برمی‌گردد. آنها فعالیت‌شان به صورت رسمی نبوده و به عبارتی زیرزمینی فعالیت می‌کردند. موضوع مهم دیگر درباره نهضت خدایپرستان سوسیالیست این است که آنها هر چند ایدئولوژی محور بودند، اما به نظر می‌رسد در کنار ایدئولوژی، در ذهن، فعالیت مسلحانه را هم مدنظر داشته‌اند، چنانچه ابراهیم یزدی در خاطرات خود گفته که در برخی گردش‌های دست‌جمعی که نهضت در خارج از شهر برقرار می‌کرده، به اعضا آموزش تیراندازی داده می‌شده است.

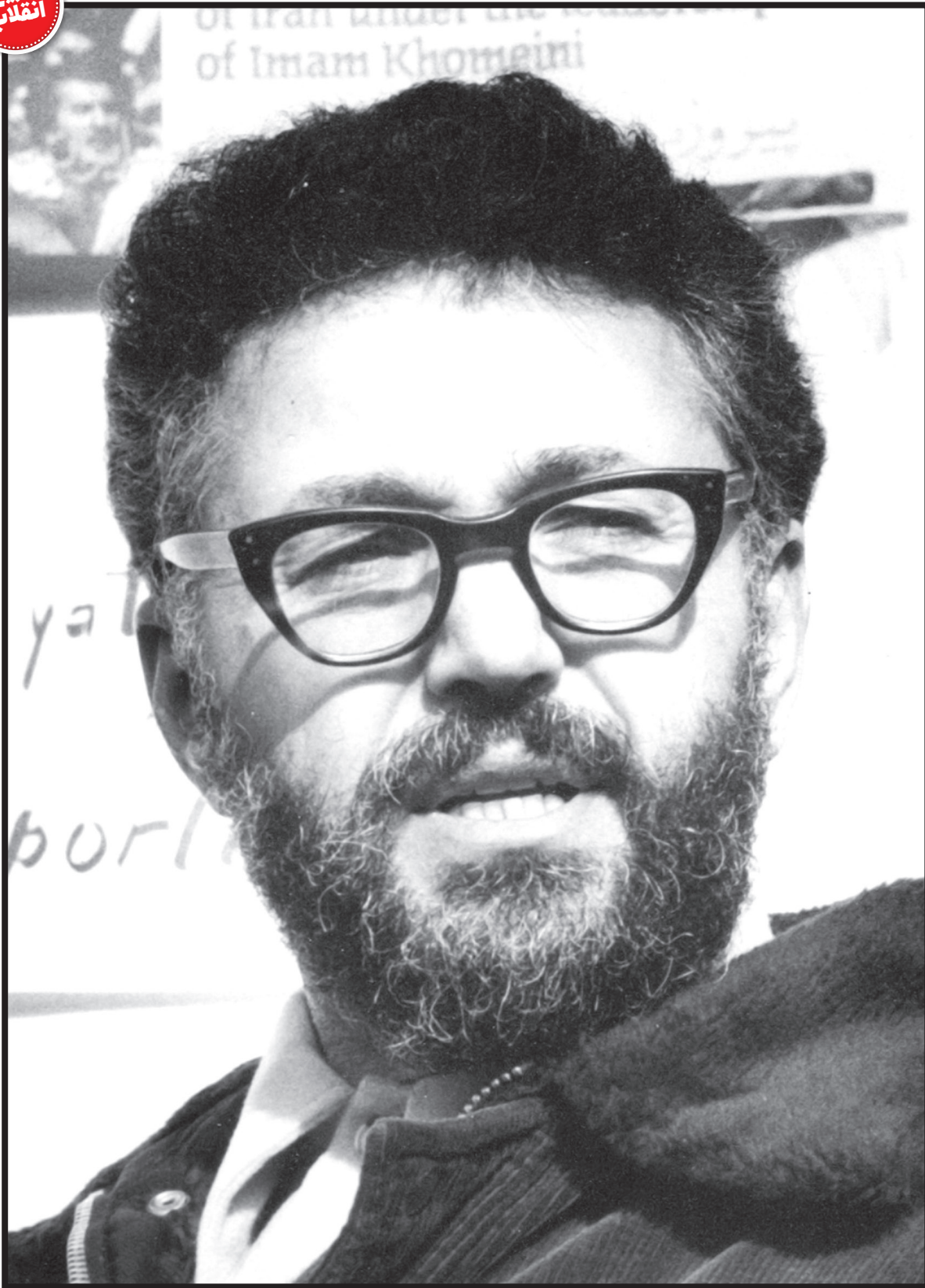
به هر ترتیب، آنها در انتخابات مجلس شانزدهم از رضوی حمایت می‌کنند اما او نمی‌تواند به مجلس راه یابد. پس از شکست در انتخابات، محمد نخشب، دبیرکل نهضت پیشنهاد می‌دهد که آنها فعالیت خود را از حالت زیرزمینی خارج کرده و رو به فعالیت علنی بیاورند اما این پیشنهاد با استقبال اعضا روبه‌رو نمی‌شود، در نتیجه نخشب از نهضت انشعاب کرده و این گروه وارد دوران ضعف می‌شود و در نهایت سال ۱۳۳۲ فعالیتش متوقف می‌شود. یکی دیگر از فعالیت‌های سیاسی ابراهیم یزدی در دوران دانشجویی، به جریان انتخابات مجلس هفدهم در سال ۱۳۳۰ برمی‌گردد. او در این سال پیشنهاد تأسیس «جمعیت فرهنگی‌های مقیم تهران» را می‌دهد و عضو هیئت رئیسه این جمعیت می‌شود و در جریان انتخابات مجلس از «سیدنبیاءالدین حاج‌سیدجوادی» یکی از روحانیون طرفدار مصدق حمایت می‌کنند و موفق می‌شوند او را به مجلس برسانند. این جمعیت هر چند کار خود را با موفقیت شروع کرد اما عمر طولانی نداشت و پس از کودتای ۲۸ مرداد تعطیل شد.

نهضت مقاومت ملی

پس از کودتای ۲۸ مرداد، یزدی توسط عزت‌الله سحابی از وجود سازمانی زیرزمینی خبردار می‌شود و به این طریق راهی نهضت مقاومت ملی ایران شده و از آنجا که دانشجوی بود، عضو کمیته دانشگاه نهضت می‌شود. ابراهیم یزدی در این کمیته، وظیفه تماس با دانشجویان و جذب آنها را برعهده می‌گیرد. در کنار فعالیت در کمیته دانشگاه، او در جریان جمعیتی که توسط نهضت برگزار می‌شد، فعال بوده و به علت حضور در همین جمعیت، برای اولین بار بازداشت می‌شود. ۲۱ آبان ۱۳۳۲ به‌دنبال تظاهراتی که در نقاطی از تهران برگزار شده بود، یزدی در چهارراه امیراکرم بازداشت شده و همراه با ۳۰ نفر دیگر به پادگان جی منتقل می‌شود اما همان شب او و عده دیگری را آزادی می‌کنند.

یک سال بعد، در بهار ۱۳۳۳ وارد انتشارات نهضت مقاومت ملی می‌شود و در انتشار بیانیه‌ها، اطلاعیه‌ها و روزنامه «راه مصدق» همکاری می‌کند. در همان هفته‌های ابتدایی حضورش در انتشارات، با همسرش سفری به شیراز انجام می‌دهد. به تهران که برمی‌گردد متوجه می‌شود که عزت‌الله سحابی و محمدحسن عسگری بازداشت شده‌اند. با شنیدن خبر بازداشت دوستانش، سری به خانه عسگری می‌زند اما زنگ خانه که به صدا درمی‌آید، ماموران ابراهیم یزدی و همسرش را بازداشت می‌کنند و به فرمانداری نظامی می‌برند. در آنجا سرور طلیعه مورد بازجویی قرار می‌گیرد و بعد از بازجویی، او و همسرش آزاد می‌شوند.

سال ۱۳۳۴، چند ماه پس از اینکه مدرک دکتری را دریافت کرده بود، به کمیته اجرایی نهضت مقاومت ملی منتقل می‌شود،



يك انقلابی در آمریکا

بازخوانی کارنامه مبارزاتی دکتر ابراهیم یزدی

سال‌های کودکی و نوجوانی

سوم مهر ۱۳۱۰، ابراهیم یزدی، فرزند صادق در محله بازارچه آقاصومو شهر قزوین متولد می‌شود. البته آنطور که خود ابراهیم یزدی در زندگینامه‌اش نوشته، اصالت آنها مربوط به شهر یزد است و پدر بزرگش بوده که از یزد به قزوین مهاجرت می‌کند. در همان دوران کودکی، شهر محل زندگی خود را تغییر داده و در حالی که شش ساله بود، همراه با خانواده راهی تهران می‌شود. برای دوران تحصیل ابتدا به مدرسه مولوی می‌رود اما به علت تغییر محله، از سال دوم تا ششم ابتدایی را در دبستان ادب سپهری می‌کند تا دوران دبیرستان از راه رسید و به دبیرستان دارالفنون رفت. از این مقطع است که ابراهیم یزدی روند زندگی سیاسی- مذهبی خود را آغاز می‌کند.

خودش گفته که در همین دوران تفکرات سیاسی- اجتماعی در او جریان داشته است: «انشای من خوب بود به‌خصوص در سیکل دوم، مطالب اجتماعی و سیاسی می‌نوشتیم و آقای مظاهری [معلم ادبیات] مشوق من بود و از من می‌خواست که انشای خودم را سرکلاس بخوانم.» اما آنچه تاثیر مهمی در سال‌های دبیرستان روی ابراهیم یزدی می‌گذارد و در واقع باعث می‌شود تا او وارد مسیر سیاسی شود، حضور معلمی به نام سیدکمال الدین نوربخش به‌عنوان معلم فلسفه و کلام در مدرسه بوده است. یزدی درباره معلم خود در خاطراتش نوشته: «او چیزی بیش از یک معلم فقه و شرعیات بود. به‌غایت معتقد و مؤمن و خوش فکر بود. حرف‌های جالبی برای بچه‌ها می‌زد.



فرهاد فخرآبادی

خبرنگار گروه سیاسی

وقتی کارنامه و زندگینامه ابراهیم یزدی را مرور می‌کنیم، به وضوح می‌بینیم که از دوران نوجوانی فعال سیاسی بوده و در کنار چهره‌هایی مانند مهدی بازرگان و عزت‌الله سحابی، فعالیت‌های گسترده‌ای از دهه ۳۰ تا پیروزی انقلاب انجام داده است که این فعالیت‌ها به دو مقطع تقسیم می‌شود. سال‌های ابتدایی فعالیت تا سال ۱۳۳۹ که با مبارزه در راه آرمان‌های محمد مصدق همراه بود و پس از آنکه با مهاجرت و حضور در آمریکا آرام‌آرام به سمت مبارزات انقلابی آیت‌الله سیدروح‌الله خمینی گرایش پیدا کرد و تا آنجا پیش رفت که او تمام مدت حضور امام در پاریس را در کنار ایشان بود و همراه با هم ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ به ایران برگشتند؛ بازگشتی که در ابتدا برای یزدی خوش‌یمن بود و پس از سال‌ها فعالیت سیاسی حضور در عرصه قدرت را تجربه کرد اما این حضور کوتاه بود و از سال ۱۳۶۳ او تنها به عنوان یک فعال سیاسی دور از نهاد قدرت خود را نشان داد و تا جایی پیش رفت که ۳ بار زندانی شد و سرانجام در سال‌های کوهلت سن طعم زندان سیاسی را بچشد.